



گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن



* باز هم درباره منشور مطالباتی ۲۰
نهاد صنفی و مدنی
صفحه ۲

* درباره حملات شیمیائی به
مدارس دخترانه
صفحه ۳

* پیروز شکست خورد
صفحه ۴

* اطلاعیه سازمان به مناسبت هشت
مارس روز جهانی زن
صفحه ۵

* اعلامیه شورای همکاری نیروهای
چپ و کمونیست بمناسبت روز جهانی
زن

زنان پیشروان جنبش آزادیخواهی و
برابری طلبی در ایران
صفحه ۶

* تحولات کنونی در ایران و
موقعیت جنبش‌های اجتماعی

متن سخنرانی رفیق آرش حسامی
در سمینار شورای همکاری نیروهای
چپ و کمونیست در استکهلم - سوئد

باز هم درباره منشور مطالباتی ۲۰ نهاد صنفی ومدنی

بعد از انتشار منشور مطالباتی ۲۰ نهاد صنفی و مدنی مطالب زیادی در نقد و یا تایید آن گفته و نوشته شده است و کماکان سوالات زیادی مطرح است از جمله این که انتشار این منشور چرا این همه سروصدا راه انداخته است در حالی که مشابه اینگونه منشورها و پلتفرمها به شکل کاملتر و جامعتری بارها از طرف گروهها و احزاب و سازمانهای مختلف مطرح شده است؟

هر چند نظر سازمان ما در نشریه کار و وسائل ارتباط جمعی منتشر شده است با این حال در پاسخ به سؤال فوق به چند نکته اشاره می کنیم.

مسئله عبارت از این است که یک منشوری در دوازده ماده از سوی بیست نهاد صنفی و مدنی در ایران منتشر شده است که در خطوط کلی آن بیانگر فصل مشترک خواستها و مطالبات اقشار مختلف جامعه و مبارزات کارگران، زنان، معلمان و بازنشستگان، خلقهای تحت ستم و استثمار و لایههای مختلف زحمتکش در دوران طولانی چند دهه ایران و همچنین تودههای مردمی است که در خیزش زن - زندگی - آزادی مشارکت داشته اند. همان طور که در سؤال مطرح شده است، هر کسی که مسائل سیاسی ایران را دنبال می کند، می داند که مسائل مطروحه در این منشور مطالبات و خواستهای تازه ای نیستند. قبل از این، منشورها و پلتفرمهای مشابه و کاملتری از سوی نیروهای سیاسی انقلابی و سوسیالیست از جمله برخی از این تشکلهای امضا کننده این منشور بصورت جمعی و یا به صفت فردی در قالب برنامه های حداقلی و حداکثری بیان شده اند و علاوه بر آن مضمون مفاد مندرج در این منشور در مبارزات جاری و از جمله در شعارهای خیزش زن - زندگی - آزادی نیز اینجا و آنجا مطرح بوده و هستند.

اما بدرستی سوال این است که پس چرا انتشار این منشور این همه سروصدا راه انداخته و مورد توجه قرار گرفته است؟

در پاسخ به سوال فوق به نکته کلیدی می رسیم و آن عبارت از این است که این منشور از سوی

بیست نهاد صنفی و مدنی ایران منتشر شده و این نهادها که قبل از این در پراکندگی بسر می بردند اکنون حول منشوری متحد شده اند که تا حدودی بخش رادیکال جنبشهای اجتماعی با جهت گیری کم و بیش ضد سرمایه داری را نمایندگی می کند و دهها نهاد از جنبشهای اجتماعی مختلف دیگر از آن پشتیبانی کرده اند و یا به آن پیوسته اند. یعنی ما با یک پدیده ای مواجه هستیم که محصول تکامل مبارزه طبقاتی و مبارزه توده های زحمتکش مردم در سالهای طولانی است و گام اولیه و شکل نطفه ای یک اتحاد و جبهه انقلابی بین نیروی کار و زحمت و کار و آزادی است که از جمله ما فدائیان کمونیست سالها است برای شکل گیری آن تلاش کرده ایم.

اتحاد جنبشهای اجتماعی رادیکال در یک جبهه انقلابی با هدف سرنگونی نظام حاکم و ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران بر مبنای شوراها در شرایط مشخص کنونی که طبقه کارگر و زحمتکش فاقد تشکل و حزب هستند و مبارزات پراکنده آنها به نتیجه مطلوب نمی رسد، تنها راه اتحاد نیروهای کار و زحمت در مقابله با نظام حاکم است اگر با موفقیت پیش برود توازن قوا در میدان مبارزه به نفع جنبش کارگری و توده های زحمتکش مردم تغییر خواهد یافت و در جریان مبارزه و پویائی خود این امکان و فضا بوجود خواهد آمد تا سطح آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر و متحدین آن ارتقاء یافته و تشکلهای حزبی و توده ای که لازمه پیروزی انقلاب آتی است، شکل بگیرد.

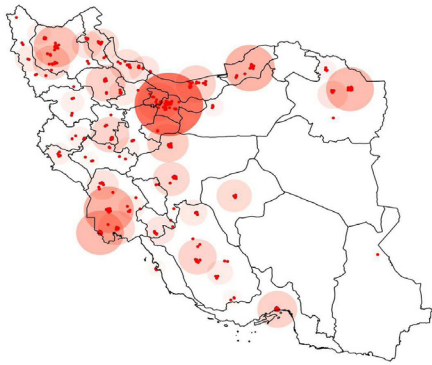
موضع اپوزیسیون بورژوائی

روشن است که این منشور مورد مخالفت و دشمنی اپوزیسیون بورژوائی و جرایانات راست و مرتجع در داخل و خارج قرار گرفته و خواهد گرفت و بدون شک در مقابل آن نه تنها سنگ اندازی خواهند کرد بلکه در محو و نابودی آن خواهند کوشید. اینها در این مخالفت با طبقه حاکم و قدرت سیاسی مذهبی آن هم داستاند. چون آنها نه

تنها با هرگونه اتحادی و تشکلی میان زحمتکشان مخالفانند بلکه مضمون و خواستهای مطرح در منشور نیز با منافع طبقاتی آنها مغایرت دارد. همانطور که می بینید در خارج کشور منابع مادی و رسانه ای عظیمی بکار گرفته شده است تا ائتلافی شکل بگیرد که خود را نماینده جنبش انقلابی درون کشور جا بزنند. اگر تا کنون عده بسیاری را در خارج و داخل به دنبال نخود سیاه خود کشانده اند بنظر می رسد بعد از انتشار این منشور و پشتیبانی سایر بخشهای جنبشهای اجتماعی از آن، ادامه این تلاشها به سهولت ممکن نخواهد بود و بسادگی امروز نمی توانند افکار عمومی زحمتکشان و زنان و جوانان را فریب دهند در هیچ اقدام سیاسی و تحولی نمی توانند این منشور را که از دل فعالین جنبشهای اجتماعی درآمده است، نادیده بگیرند. اگر هم بخواهند از روی مصلحت با آن کنار بیایند در جریان عمل دروغگوئی و فریبکاری شان اظهرمن الشمس خواهد بود. بنابراین مخالفت طبقه حاکم و طیف های رنگارنگ اپوزیسیون بورژوائی با این منشور و امضاء کنندگان آن روشن و قابل درک است.

گذشته از مواضع ائتلافهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوائی و خرده بورژوائی انتقاداتی هم از سوی جریات چپ به این منشور وارد شده است. روشن است که هر جریان سیاسی و یا هر کسی حق دارد نظرات و انتقادات خودش را درباره این اتحاد و منشور آن بیان کند و مسلماً اشکالات و نقاط ضعف دارد. و همچنان که خود تدوین کنندگان این منشور هم در نقد و اصلاح را باز گذاشته اند. همانطور که خود ما بعد از انتشار منشور بفاصله ای کم اصلاحاتی که بنظرمان می رسید و در ظرفیت این منشور می گنجید مطرح کردیم.

در کل انتقادات برخی سازنده است و برخی دیگر نه، همانطور که گفتیم مانده به این که منتقد از چه زاویه ای به این منشور نگاه می کند. از زاویه یک تشکیلات حزبی و جنبش مستقل طبقه کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود و سوسیالیست و



درباره حملات شیمیایی به مدارس دخترانه

در هفته‌های گذشته در شهرهای مختلف کشور برخی از مدارس دخترانه با حملات شیمیایی مواجه شده و دانش آموزان بسیاری از این مدارس در نتیجه بروز علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند. موج این مسمومیت‌ها در یکی دوهفته اخیر ابعاد گسترده‌ای یافته است و موجب ترس و هراس و اضطراب دانش آموزان و خانواده‌های آنها شده است. اعتراضات خانواده‌ها و دانش آموزان تاکنون به جایی نرسیده است و مقامات دولتی طبق معمول تلاش می‌کنند با اخبار و موضع گیری‌های ضد و نقیض افکار عمومی را منحرف کرده و خانواده‌ها را در سرگردانی و بلاتکلیفی نگهدارند. بنظر می‌رسد باتوجه به اوضاع سیاسی، بحران اقتصادی و تورم افسار گسیخته که افزایش اعتراضات و حقوق بگیران و افشار محروم جامعه را به همراه دارد و نیز نتایج و تبعات خیزش زن - زندگی - آزادی رژیم در ترس از پیوند مطالبات اقتصادی و سیاسی و گسترش اعتصابات و اعتراضات مه‌ناپذیر آینده، قصد دارد با هراس افکنی در میان دختران مدارس و از این طریق خانواده‌ها و مردم، افکار عمومی را از معضلات اقتصادی و سیاسی منحرف کند و از طرف دیگر با طرح اهمیت سپاه و نیروهای سرکوبگر خود در تامین امنیت جامعه، خشم و نفرت توده‌های مردم بویژه جوانان نسبت به آنها را تخفیف دهد و درعین حال این ترس و واهمه را دامن بزند که در صورت بهم خوردن امنیت جامعه ممکن است چه خطراتی در کمین باشد.

بعد از گذشت سه ماه از موج مسمومیت دختران دانش‌آموز مدارس که گویا دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و "سربازان گمنام امام زمان" قاصر از یافتن عاملین و مجازات آنها بودند!! و مدام اعتراضات خانواده‌های دانش آموزان را با خشونت ددمنشانه پاسخ می‌دادند. اکنون خامنه‌ای سردسته جنایتکاران بار دیگر به منبر رفته و با فرافکنی اعلام می‌کند: "اگر کسانی در این موضوع دست دارند، باید عوامل این جنایت به اشد مجازات برسند" معلوم نیست که آقا و دستگاه عریض و طویل اطلاعاتی و امنیتی‌اش که هر مخالفی را یافته و در هوا شکار می‌کنند در این سه ماه چرا نتوانسته‌اند آمرین و عاملین این اقدام جنایتکارانه گسترده را یافته و به مردم معرفی بکنند!؟

واقعیت این است که آمرین و عاملین این جنایت دارودسته‌های خود رژیم است و همانا به قصد انتقام‌کشی از زنان و دختران ستمدیده‌های دست به این جنایات ضد بشری می‌زنند، که با پیشگامی خود در خیزش سراسری زن - زندگی - آزادی پایه-

یا جنبش‌های اجتماعی رادیکال متحد طبقه کارگر. و این بسیار مهم است که منتقد چه درکی از سازمان‌های توده‌ای دارد و از چه زاویه‌ای به این منشور نگاه می‌کند. بطور مثال برخی انتقاد می‌کنند که باندازه کافی رادیکال نیست!

برخی ایراد می‌گیرند که چرا سوسیالیستی نیست و یا فرض لغو مالکیت خصوصی و امثال اینها در منشور نیامده و برخی دیگر سرنگونی و استقرار شوراها و از این تیپ ایرادات را مطرح می‌کنند که اینها دو دسته هستند که اغلب با دلسوزی این ایرادات را طرح می‌کنند ولی انتقادشان سازنده نیست. دسته اول آنهایی هستند که از پزشک گرفته تا کارمند ادارات و غیره را جزو طبقه کارگر محسوب می‌کنند. بنابراین آنها هر اتحادی میان افشار اجتماعی مختلف و یا هر منشور مورد توافق یک جمع مبارزی را با معیارهای یک انقلاب گارگری مورد سنجش و نقد قرار می‌دهند.

گروه دیگر تفکرشان افلاطونی است. بدین معنی که تصورات و برداشت‌های شخصی شان از سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی را در ذهن خود همچون نمونه مثال‌هایی انبار کرده‌اند. بنابراین تفکر پدیده‌ها مادی و واقعی در بیرون باید انعکاسی از آن باشد وگرنه هیچ حقیقتی در کار نیست و سکتاریسم و فرقه‌گرایی و فرقه‌پرستی، جزم اندیشی از جمله آفات این نوع تفکر است. بنظر ما این هر دو دیدگاه نه اینکه به جنبش انقلابی طبقه کارگر و زحمتکش‌ان متحد آن یاری نمی‌رسانند بلکه تفرقه ایجاد می‌کنند و در مقابل اتحاد و مبارزه آنها مانع می‌تراشند. برخی اشخاص و افراد و محافل هستند که از موضع خرده‌بورژوازی به این منشور نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند با شکل‌گیری این اتحاد دکانی بغل دکانشان باز شده و ممکن است کارشان نگیرد و یا به حاشیه بروند. در حالیکه باید کمک کرد تا این اتحاد گسترش یابد تا جایکه رژیم دیگر قادر به سرکوب ان نباشد در سایه اتحاد جنبش‌های انقلابی موجود و ارتقاء آن به یک جبهه چپ انقلابی با برنامه ملهم از خواست‌ها و اهداف کوتاه مدت و بلند مدت نیروی کار و زحمت را در مقابل رژیم و آلترناتیوهای دیگر تقویت خواهد کرد از این رو هر نقدی وقتی مفید فایده خواهد بود که واقعیات موجود در صحنه نبرد را در نظر گرفته و به گستر این اتحادها یاری رساند.

های نظام مذهبی و ارتجاعی حاکم و نیز افکار و سنت‌های خرافی و مردسالارانه در جامعه را به مصاف طلبیدند و چراغ تحولات فکری و سیاسی مهمی در فرا راه مبارزات توده‌های زحمتکش مردم روشن کردند که با سرکوب و دست یازیدن به اعمال جنایتکارانه‌ای نظیر حملات شیمیایی به دانش آموزان مدارس و امثال این جنایت‌ها، خاموش خواهد شد.

زنان ایران دهه‌ها و بلکه سده‌ها است که در معرض تبعیض و خشونت هستند، قتل‌های ناموسی، اسیدپاشی در خیابان‌ها، کشانیدن آنها به بردگی جنسی، تجاوز، استثمار دوگانه در محل کار و خانه، اعمال محدودیت‌ها و رواج دادن سنت‌های ارتجاعی پدر و مردسالارانه، تصویب و اجرای قوانین زن ستیزانه در چهاردهه گذشته تنها مشتی نمونه‌ی خروار است. که هر بار رژیم در برابر هر جنایتی که علیه زنان صورت داده است ابتدا سرکوب را در دستور گذاشته و سپس آنرا به نیروهای "خودسر" نسبت داده است. بی تردید این بار نیز برغم دستور خامنه‌ای درباره پیگیری و مجازات عاملین، در نهایت ماجرا را به دشمن خارجی و یا نیروهای "خودسر" نسبت خواهند داد که هیچگاه نه تنها یافته و مجازات نمی‌شوند بلکه دست آخر این قربانیان هستند که مقصر قلمداد خواهند شد.

اما این واقعیت را فراموش می‌کنند که تداوم سرکوبگری‌ها و جنایات مکرر علیه مردم بویژه زنان و جوانان، آنها را نه تنها از تداوم مبارزه برای سرنگونی نظام حاکم باز نخواهد داشت، بلکه در اتحاد و مبارزه برای تحقق خواسته‌هایشان از جمله پایان دادن به ستم و تبعیض علیه زنان که یکی از اهداف برجسته خیزش زن - زندگی و آزادی با پیشگامی زنان بود، مصمم‌تر خواهد کرد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۶ اسفند ۱۴۰۱

پیروز شکست خورد!

ستاره سرخ

موجب این اتفاق ناگوار شد که آخرین توله یوز محافظت شده را هم از دست بدهیم و از دست رفتن گونه‌ای در حال انقراض (آنطور که می‌گویند اما در واقع باید گفت منقرض شده) بسیار مهم و حائز اهمیت است اما دو نکته را یادمان نرود، ما هنوز داغدار بیش از پانصد نفر از عزیزانمان هستیم و هنوز زمان زیادی از آن فاجعه نگذشته است پس سعی کنیم در دام تله‌های حکومت و مزدوراننش و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای نیافتیم. هنوز هم باید اساسی تمرکز و تمرکز اساسی ما بر روی مسئله مطالباتمان، معیشت‌مان و در یک کلام انقلاب‌مان باشد و چنین آدرس‌های غلطی را بعنوان علت‌العلل تمام فجایع موجود به‌خود و دیگران قالب نکنیم!

و نکته دوم این که بخاطر بسپاریم آسیب رساندن به انسان‌ها، خانواده‌ها، محیط‌زیست، گونه‌های گیاهی و جانوری، زیست‌بوم‌ها، دریا، جنگل، کوه، کویر، ساحل و هر آنچه در جهان هست در سرمایه‌داری تازگی ندارد و سرمایه‌دار و حکومتش از هیچ راهی برای کسب سود بیشتر فروگذار نمی‌کند. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است روشن شود که این خود تفکر سرمایه‌داری است که موجبات آسیب رساندن به تمام هستی را فراهم می‌کند و نه این شخص یا آن شخص. بنابراین هرچقدر هم اشخاص را درست، لایق و با دقت در جایگاه‌هایشان قرار دهیم و هرچه قدر هم انسان‌های دلسوز و مهربانی باشیم تا زمانی که دلیل اصلی وضعیت موجود را نشانیم و سعی در از بین بردن آن نداشته باشیم محال است با سیستم غلط موجود بتوانیم مشکلات را حل کنیم!

آیا زمانی که کودکی خردسال را می‌بینیم که مجبور است کار کند تا کمک خرج مادر مریش باشد هم اشک از چشمانمان سرازیر می‌شود؟ آیا با دیدن کارگرانی که از کار بیکار شده و تصمیم به خودکشی گرفته‌اند باز هم احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنیم؟! حقیقت این است که نه! ما شرطی شده‌ایم که گله‌ای فکر کنیم و گله‌ای عمل کنیم! وقتی یک هنرپیشه یا فوتبالیست مشهور عکس گربه‌ای با پای شکسته را استوری می‌کند ما چرا نکنیم؟ حتما او چیزی می‌داند که این کار را می‌کند پس ما هم باید از او تقلید کنیم. هنگامی که برای کمک به سگ‌های ولگرد و تامین غذایشان فراخوان داده می‌شود ما چرا حمایت نکنیم؟ هرچه باشد آنها بیشتر از ما می‌فهمند چرا که مشهوراند و صاحب تریبون! شوربختانه این طرز فکری است که جامعه ما در آن غوطه‌ور است و هرگونه نقد و ایراد به آن با تندترین لحن‌ها پاسخ داده می‌شود. اما آیا کسی اهمیت می‌دهد همان بازیگر و فوتبالیستی که خبر مرگ پیروز را با ایموجی قلب شکسته و گریه‌استوری می‌کند برای کشته شدگان خیزش اخیر نیز ابراز تاسف کرد؟ یا اگر کرد آیا چنین با آب و تاب بود؟ تکرار می‌کنم شکی نیست که بی‌عرضگی، بلاهت، سوء مدیریت و تفکر دقیقه نودی مسئولان کشور

صبح سه‌شنبه، نهم اسفندماه خبر تلف شدن تنها توله یوز باقی مانده تحت حفاظت محیط زیست اعلام شد. خبری که با واکنش‌های گسترده مردم ایران مواجه شد. ناکارآمدی سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان منابع طبیعی، دامپزشکی و دیگر نهادهای مرتبط، بار دیگر موجب ضربه به حیات وحش کشور شد. این نخستین بار نیست که عدم برنامه‌ریزی مناسب، نبود ساز و کارهای دقیق و کارا و فقدان مدیریت بحران، به کشور صدمه می‌زند.

مسئولان ایرانی عادت دارند تنها وقتی برای حل یک مسئله اقدام کنند که دیگر خیلی دیر شده باشد! در زمینه حیات وحش و حیوانات ایران، شاهد انقراض گونه‌های مختلف جانوری بوده‌ایم و با گونه‌های در خطر انقراض بسیاری نیز طرفیم اما نهایت برنامه‌ریزی و طرح مسئولان مملکت برای جلوگیری از این فاجعه، دست به دعا بردن و یا نهایتاً انتقال حیوانات به یک لابراتوار و محیط آزمایشگاهی بدور از زیستگاه طبیعی آنهاست! اما نکته‌ی قابل توجه که معمولاً از آن غافل می‌شویم این است چرا و چگونه سلامت و هستی یک توله یوز یا هر حیوان دیگری که جریان غالب رسانه‌ای سعی در بزرگ نمودن آن دارد بارها و به مراتب از جان انسان‌ها مهم‌تر و پررنگ‌تر نشان داده می‌شود؟! تاکید می‌کنیم این سرمایه‌داری و سیاست "همه چیز کالا است" برآمده از اندیشه اوست که حیوانات را بی ارزش نشان می‌دهد تا شکار بی‌رویه و مکرر گونه‌های حیوانی را برای سود بیشتر توجیه کند و سوسالیسم همواره به حقوق حیوانات و جانداران گوناگون معتقد بوده و هست. اما نکته این است زمانی که خبر بیماری پیروز اعلام شد با حجم عظیم و باور نکردنی پست‌ها، استوری‌ها، خبرها و گزارش‌های مرتبط به این مسئله روبرو شدیم، این موضوع آیا در مورد انسان‌ها هم صدق می‌کند؟ آیا با دیدن زباله‌گردهایی که برای بدست آوردن لقمه‌ای نان به آلوده‌ترین نقاط هستی سر می‌زنند هم دلمان می‌سوزد و وجدانمان تیر می‌کشد؟

در جامعه‌ای که سود جویی، ثروت اندوزی فردی و رقابت، مبانی فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد طبیعی است که از منابع طبیعی غیر قابل جایگزینی بشکل بی‌رویه بهره‌برداری می‌شود و محیط زیست تابع مطامع سرمایه‌داران و ثروت اندوزان می‌شود.

نابودی محیط زیست ضایعه‌ایست که سرمایه‌داری به ارمغان آورده است. سوسالیسم به آینده بشریت و سعادت نسل‌های آینده نظر دارد. با اجتماعی شدن تولید و مبادله، امکان سازماندهی تولید با کمترین ضایعات زیست محیطی بوجود می‌آید.

تولید به شیوه‌ای که کمترین آسیب را به محیط زیست برساند، یکی از جنبه‌های تولید سوسالیستی است و کوشش برای حفظ محیط زیست و تغییر شیوه‌های تولید سازگاری آن با محیط زیست از اهداف تکامل اقتصادی و اجتماعی در جمهوری فدراتیو شورایی جدایی ناپذیر است.

"از برنامه جمهوری فدراتیو شورایی ایران"



گرامی باد هشت مارس روز جهانی همبستگی با مبارزات زنان

تنها برای زدودن و نابود کردن آپارتاید جنسی و سایر تبعیضات علیه زنان محدود نیست، همچنان-که خیزش زن - زندگی - آزادی نیز تنها لغو آپارتاید جنسی را مد نظر ندارد بلکه درعین حال برابری حقوق، حق کار، مسکن، لغو کار کودکان، پایان دادن به ستم ملی تامین آزادی بیان و تشکل و تجمع و سرانجام سرنگونی انقلابی رژیم حاکم، پایان دادن به ستم واستثمار و دردست گرفتن سرنوشت خود نیز جزئی از اهداف و خواست‌ها ی آنها محسوب می‌شود.

زنان، جوانان و توده‌های تحت ستم و استثمار

هشت مارس امسال را در شرایطی برگزار می‌کنیم که نزدیک به شش ماه از خیزش زن - زندگی - آزادی با پیشگامی زنان سپری می‌شود، برغم کشتار صدها جوان و نوجوان و کودک و دستگیری و زندانی کردن هزاران نفر دیگر این جنبش برغم افت و خیزها همچنان ادامه دارد و در آستانه هشت مارس صدها مدرسه دخترانه با حملات شیمیائی مزدوران رژیم و مسمومیت‌های گروهی دست بگیریبانند و صدها زن و دختر بدلیل اعتراض به ستم و استثمار و تبعیضات جنسی وجنسیتی در زندان‌ها به سر می‌برند. هشت مارس امسال را به روز اعتراض به آپارتاید جنسی در جامعه و خانه و مدرسه ومحل کار و به روز مبارزه و همبستگی با زنان ودختران انقلابی ایران تبدیل کنیم و با تداوم مبارزات برعلیه نظام زن‌ستیز جمهوری اسلامی یاد زنان و مردان سوسیالیست و مترقی وانقلابی را که جان وهستی خویش را در راه نابودی یکی از پلید ترین پیامدهای نظام طبقاتی نهادند، گرامی داریم .

پرتوان و پیروز باد مبارزه برای رهائی زنان
سرنگون باد رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی
برقرارباد جمهوری فدراتیو شورائی
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۱۴ اسفند ۱۴۰۱ برابر با ۵ مارس ۲۰۲۳

در آسانه هشت مارس روز جهانی زن هستیم . امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی همبستگی با مبارزات زنان می‌رویم که خیزش انقلابی زن-زندگی-آزادی با پیشگامی زنان ایران علیه ستم و تبعیضات جنسی، جنسیتی و سنت‌های ارتجاعی مردسالار وارد ششمین ماه شده است. خیزش انقلابی که برغم سرکوب بی‌رحمانه نظام ارتجاعی و زن-ستیز ایران که اخیرا با حمله شیمیائی به مدارس دخترانه درماندگی در مقابل جنبش‌های اجتماعی و درعین حال وحشیگری خود را بنمایش گذاشته است، همچنان ادامه دارد و مبارزات دلاورانه و انقلابی زنان ایران به سمبل مبارزات زنان جهان تبدیل شده و حمایت افکارعمومی دنیا را با خود همراه کرده است.

زنان ایران درگیر مبارزه‌ای تاریخی و سخت با یکی از ارتجاعی‌ترین و زن ستیزترین نظام‌های سرمایه داری درایران هستند و جا دارد ۸ مارس امسال را بنام روز همبستگی جهانی با مبارزات زنان ایران نام نهاد و با تمام توان از این مبارزات حمایت کرد. چرا که بخش اعظم زنان ایرانی بویژه زنان جوان و روشنفکر در مبارزه با آپارتاید جنسی با یکی از زن-ستیزترین رژیم‌های مذهبی دنیا در جامعه‌ای مردسالار مواجه‌اند و برای احقاق حقوق پایمال شده خویش و پایان دادن به آپارتاید جنسی فشارهای زیادی را متحمل شده‌اند.

زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام، روش‌ها و سیاست‌هایی بوده است که رژیم جمهوری اسلامی برعلیه زنان مبارز بکار برده است. اما هرگز نتوانسته صدای آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه آنها را خاموش سازد.

سال گذشته در میدان نبرد علیه جمهوری اسلامی، زنان و دختران آزادیخواه و سوسیالیست در پیشاپیش صفوف مردم معترض با شور و شغف پایان‌ناپذیر و شجاعت و شهامت خود بر مرتجعین حاکم و نیز به افکار عمومی مترقی دنیا نشان دادند که خواهان تغییرات اساسی در زندگی خود هستند، از آن جمله خواهان برافتادن آپارتاید جنسی و محو هرگونه نظام مردسالار و سنت‌های ارتجاعی مذهبی هستند. به همین خاطر و در پرتو همین مبارزات و رشادت‌ها است که امسال توجه همه جهانیان به مبارزات زنان ایران جلب شده است و زنان با تشدید مبارزه خود و با پیشگامی در خیزش زن - زندگی - آزادی توانسته‌اند جنبش آزادیخواهانه زنان و حقانیت آن را به جهانیان شناسانده و افکار عمومی جهان را پشتوانه ادامه مبارزات خود سازند. اما هشت مارس

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت روز جهانی زن

زنان پیشروان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران



جنبش رهایی و آزادی زنان در ایران طی چهل و چهار سال گذشته یکی از دشمنان آشفتنی ناپذیر رژیم آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی بوده است. حاصل سالها نبرد دایمی توده های مردم ایران با حکومت سرپا زن ستیز، قرون وسطایی و جنایتکار جمهوری اسلامی، در مبارزات ماه های اخیر، پیشروی زنان در خیزش انقلابی توده های مردم ایران را برای پایان دادن به حاکمیت ننگین نظم سرمایه اسلامی نشان داد. با قتل ژینا (مهسای جوان) جنبش رادیکال با هدایت و محوریت زنان حول شعار "زن، زندگی، آزادی" سراسر ایران را فراگرفت. مرزها را درنوردید و به صدر رویدادهای سیاسی جهان عروج کرد و حمایت بی نظیر بشریت آزادیخواه را به خود جلب کرد.

امسال در چنین شرایط سیاسی - مبارزاتی شورانگیز، به استقبال هشت مارس، روز جهانی زن می رویم. ۸ مارس روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی زنان است. یک روز مهم و تاریخی در حیات جنبش های خلاف جریان و رادیکال بین المللی برای رهایی زنان است. چهل و چهار سال پیش در روز ۸ مارس، جنبش رهایی زنان با سازماندهی یک اعتراض وسیع خیابانی علیه جمهوری اسلامی و تحمیل حجاب اسلامی و ایدئولوژی منحن و قوانین عقب مانده آن متولد شد. جنبش آزادی ورهایی زن، در ۸ مارس ۱۳۵۷، کمتر از یک ماه از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، اولین اعتراض وسیع را علیه این نظام آپارتاید جنسیتی سازمان داد و علیه زن ستیزی و انحطاط و سرکوب آن اعلام جنگ نمود.

به علاوه امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم، که یک تغییر جدی تناسب قوای سیاسی - اجتماعی به نفع جنبش آزادیخواهان و سرنگونی جمهوری اسلامی در جامعه شکل گرفته است. در نتیجه لازمست مارش های وسیع خیابانی را علیه موجودیت رژیم زن ستیز اسلامی سازمان دهیم. در شهرهای مختلف و در دانشگاهها، میتینگ و راهپیمایی برگزار کنیم. "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است"، پرچم رهایی زن و برابری کامل آنان را در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اهتزاز درآوریم.

۸ مارس امسال می تواند باردیگر لوزه بر اندام رژیم اسلامی وارد کند. چرا که مرتجعان اسلامی بخوبی نقش و جایگاه جنبش آزادی و رهایی زن را می شناسد، بر نفرت عمیق آنان از جمهوری اسلامی واقفند. زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی، یک رکن مهم ماهیت این نظام است و حجاب پرچم آن. مبارزه علیه این ارکان، هستی و نیستی کلیت رژیم را به مصاف می طلبد.

فعالین جنبش آزادی زن لازمست یک ۸ مارس رادیکال و رزمنده را تدارک ببینند و سازمان دهند. فعالین چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب باید برای تدارک این روز با تمام نیرو به میدان بیایند. فراخوان ما اینست برای وارد کردن ضربه نهائی، برای سرنگونی انقلابی حاکمیت آپارتاید اسلامی آماده شویم. همه جا متشکل شویم. ما به کمتر از برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در تمام عرصه های زندگی رضایت نمی دهیم و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و رهایی آنان است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، زنان و مردان برابری طلب، خانواده های کارگری، معلمان، پرستاران و دانشجویان را به هر چه با شکوهرتر برگزاری روز جهانی زن فرامی خواند. رهایی از تمامی ابعاد ستم جنسیتی و طبقاتی حق مسلم زنان است. زنان در مبارزات اخیر نشان دادند که به خوبی در یافته اند بدون سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، بدون جدایی کامل دین از دولت و بدون تحولات اساسی و رادیکال در جامعه ایران، تحقق خواسته های برابری طلبانه آن ها ممکن نیست. آن ها در جنبش انقلابی اخیر مستقیما سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند. پیروزی از آن جنبش آزادی و برابری است.

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسیتی!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۷ فوریه ۲۰۲۳

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

تحولات کنونی در ایران و موقعیت جنبش‌های اجتماعی

متن سخنرانی رفیق آرش حسامی در سمینار شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در استکهلم - سوئد

شورش عظیم اجتماعی را گوشزد می‌کنند. رژیم نیز با آگاهی از این امر در حال بازسازی نیروهای سرکوب‌اش برای رویارویی با این انفجار اجتماعی پیش رو است.

ما نیز بعنوان نیروهای انقلابی این مهم را باید در نظر بگیریم و با برنامه مشخص صفوف خودمان را منسجم کنیم تا در عرصه میدانی این جدال سرنوشت ساز تاریخی نقش موثر و تعیین کننده خود را ایفا کنیم.

بطور کلی می‌خواهم این را بگویم که واقعیت میدانی نشان می‌دهد که در شرایط حساس کنونی دوره رو به اعتلا ی مبارزات است آرایش نیروهای اجتماعی که خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند نسبت به نیروهای اجتماعی وابسته به نظام حاکم در داخل و خارج کشور دست بالا را دارند و این روند روز به روز به نفع توده‌های به پا خاسته در حال تغییر است، اما وجود این چشم انداز به این معنا نیست که در عرصه سیاسی و میدان مبارزه نیز کارگران و سایر زحمتکشان و نیروهای مترقی و پیشرو دست بالا را داشته باشند.

آرایش سیاسی در اپوزیسیون

در طیف اپوزیسیون ما شاهد ده ها حزب و سازمان و محافل ریز و درشت هستیم. بخشی از این احزاب و سازمان‌های در اپوزیسیون رژیم هر چند از خیزش‌های توده‌ای و جنبش انقلابی اخیر دفاع می‌کنند و خواستار "دموکراسی" و سکولاریسم و غیره هستند، اما بلحاظ منافع طبقاتی و امکانات اجتماعی، یا با بخش‌ها و جناح‌هایی از رژیم برای سرکوب و به انحراف کشیدن آن همسو هستند و یا در صورت گذار از جمهوری اسلامی، نه می‌توانند و نه می‌خواهند، مطالبات اصلی و عمده اقتصادی و سیاسی توده‌های قیام کننده را برآورده سازند. منظوم من نیروهای دست راستی برانداز و ضد انقلاب هستند که از پشتوانه دول ارتجاعی منطقه و کشورهای غربی و امپریالیستی با رسانه‌های قدرتمند البته با اهداف گوناگون این کشورها برخوردارند. بها دادن کشورهای غربی و امپریالیستی در این برهه به معنی سیاست این کشورها در جهت رژیم چپ ارزیابی نمی‌شود و صرفاً همشون اهرمی فشار بر رژیم است.

این طیف وسیع و متنوع از مشارکت توده‌ای در سرنوشت سیاسی جامعه بیم دارند بنا بر این در حرکت‌های توده‌ای نیز خط قرمزهای فراوانی دارند و هر زمان اعتراضات و اعتصابات و تظاهرات توده‌ای مطالبات شان از آن خط قرمزها عبور میکند، تحت عنوان مختلف با آن مخالفت می‌ورزند.

چپ انقلابی از احزاب و سازمان‌ها و نهادها و تشکلات و فعالین جنبش‌های اجتماعی برای سرنگونی نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراهای محل کار و زیست. با این مقدمه اجازه بدهید نگاهی کوتاه و مختصر داشته باشیم بر این چند ماه درخشان از تاریخ مبارزاتی توده‌های تحت ستم و تبعیض و استثمار در ایران با شعار زن زندگی آزادی. که یکی از شالوده‌های برپایی جمهوری اسلامی یعنی تسلط بر زنان را نشانه گرفت.

امروز که اینجا هستیم چیزی حدود پنج ماه از آغاز خیزش عمومی علیه قتل حکومتی ژینا امینی می‌گذرد؛ خیزشی که در کردستان جرقه خورد و در ادامه روند و حرکت رو به رشد خودش با پیشگامی زنان تبدیل به جنبش انقلابی فراگیر و توده‌ای شد و اقشار مختلف جامعه، از حاشیه‌نشینان و فرودستان شهری گرفته تا طبقه متوسط و طبقات بالاتر جامعه در این جنبش حضور داشتند. این جنبش هر چه پیش رفت، صف‌بندی‌های سیاسی درون آن در داخل و خارج از کشور، مشخص‌تر شد. اکنون این اعتراضات خیابانی نسبت به قبل نسبتاً فروکش کرده (به استثنای جمعه‌های زاهدان). اما همزمان شاهد رشد صعودی اعتراضات و اعتصابات کارگری در ابعاد و اشکال مختلف هستیم.

به‌باور من، این جنبش انقلابی در ادامه اعتراضات و اعتصابات و قیام‌های چند سال اخیر، حرکت درونی جامعه ایران را چندین سال جلو انداخت، و در عین حال جمهوری اسلامی را که درگیر تضادهای لاینحل سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی بود، به لبه پرتگاه سقوط نزدیک‌تر کرد.

اما تقریباً همیشه گفت که همگی بروی این اصل توافق دارند که وضعیت کنونی جامعه ایران علیرغم سرکوب فراگیر و گسترده به وضعیت پیش از این جنبش باز نگشته و نخواهد گشت و شرایط کنونی همان آتش زیر خاکستر است. این موضوعی است که حتی مهره‌های حکومتی هم به آن اعتراف می‌کنند و دائم هشدار یک

تحولات کنونی آنچنان جنبه‌های وسیعی دارد و در همان حال درهم تنیده است و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند که عملاً پرداختن به آنها بصورت تک بُعدی در این زمان محدود امکانپذیر نیست.

از یک طرف ما شاهد شرایط رژیم جمهوری اسلامی هستیم که در شدت یافتن بحران‌های عمومی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دست و پا می‌زنند و در ظاهر هسته سخت قدرت‌اش هم یک دست شده و با کارت نگاه به شرق بازی می‌کند اما می‌داند که این کارت به تنهای نمی‌تواند وزنه ای قابل اطمینان برای بقاش باشد، از طرف دیگر رقابت بخش‌های مختلف سرمایه داری در ایران که به بخش‌های از آن علیرغم این که قدرت‌اش نسبت به قبل کمتر شده، و به اشکال گوناگون در رقابت با سایر بخش‌ها در جدال است،

از طرف دیگر تحولات و بحران سرمایه داری جهانی و رقابت‌های منطقه‌ای رو داریم و در سطح بین‌المللی هم تهاجم روسیه به اوکراین و رقابت قدرت‌های هژمونیک و ضد هژمونیک را شاهدیم و لیست بلند بالای دیگه، در مقابل تمامی اینها ما شاهد مبارزات کارگران و زحمتکشان در کشورهای مختلف هستیم و در ایران نیروی کار و زحمت علیرغم تمامی موانع صفحات درخشانی را در تاریخ حک کردند.

بررسی مستمر تمامی اینها برای پیشبرد مبارزه از اهمیت بسیار بالای برخوردار است. اما به نظر من، ما بعنوان بخشی از نیروهای انقلابی برای پیشبرد مبارزاتمان در ابتدا باید ارزیابی از توان و نیروی خودمان داشته باشیم چرا که اگر تحلیل کامل و جامع‌ای را هم نسبت به آنچه پیرامونمان می‌گذرد داشته باشیم اما نیروی پیش‌برنده و منسجم در عرصه میدانی مبارزه نداشته باشیم کار شقی انجام ندادیم.

من با توجه به تمامی اینها، حرف آخرم رو در همین ابتدا می‌زنم، موضوعی که ما در این چند سال با توجه به شرایط، علل و عوامل موجود و توازن قوای موجود، بارها آن را در جلسات و نوشته‌ها و سمینارها مطرح کردیم و بر ضرورت آن تأکید داشتیم و داریم، یعنی تشکیل یک جبهه

کار کمونیستی

تحولات کنونی در ایران و موقعیت جنبش‌های اجتماعی

جبهه انقلابیون و مدافعین طبقه کارگر و
زحمتکشان در خارج کشور

در خارج کشور ما طیف وسیعی از سازمان‌ها و احزاب و گروه‌ها و کلکتیوهای که در برنامه و عمل، خود مدافع منافع توده زحمت کش تحت ستم و استثمار، زنان، محیط زیست، پایان دادن به ستم ملی، ال جی بی تی و... داریم و برای یک جامعه سوسیالیستی و بری از ستم و استثمار و سرکوب مبارزه می‌کنند اما در پراکندگی و تفرقه بسر می‌برند. متأسفانه بدلیل سال‌ها سرکوب و زیست و مبارزه در تبعید، انحرافات وضعف‌های مرسوم هر گروه جدا از توده، مثل فرقه گرائی، محفلیسم، دکماتیسیم، آنارشیزم، خودشیفتگی و... در میان آنها نیز فراوان است و دارای عملکردی مخرب. و همین مسائل نیز باعث شده اختلافات سیاسی و دیدگاهی در درون این طیف مجرائی درست و جایگاهی شایسته برای بحث و تکامل دیدگاه‌های نظری و مواضع سیاسی نیابد و معمولاً بروز عملی هر اختلافی به پراکندگی و انشعاب در این طیف دامن می‌زند که این انشعابات و پراکندگی‌ها عملاً از توانائی‌های دخالت‌گری این نیروها در جنبش‌های کارگری و اجتماعی جامعه کاسته است.

آرایش نیروهای و فعالین جنبش‌ها اجتماعی در
داخل کشور

یکی از دست‌آورد‌های درخشان جنبش انقلابی زن زندگی آزادی اعلام موجودیت شوراهای و کمیته‌های محلات و دانش‌آموزی و دانشجویی و جوانان بود که در کنار سندیکاها، نهادها و تشکلات علنی و مخفی که از قبل فعال بودند در داخل کشور فعال شدند. طیف گسترده‌ای نیز درون جامعه ایران هستند که در جریان جنبش انقلابی ژینا حضور فعال و چشمگیری داشتند. اینها ممکن است ضرورتاً خودشان را چپ هم ندانند، ولی الان، در لحظه فعلی، با توجه به آرایش و صف‌بندی نیروهای جامعه، می‌توان آنها را در جبهه وسیع و گسترده چپ انقلابی گنجانند و تعریف کرد. این نیروها اولاً متکثر هستند، و ثانیاً صرفاً به تغییرات در بالا فکر نمی‌کنند، بلکه خواستار تغییراتی بنیادین از پایین در حوزه‌های مختلف مثل زنان و ال جی بی تی، ملیت‌ها،

آزادی‌های فردی و اجتماعی، مسائل اقتصادی و معیشتی، مسائل صنفی، محیط زیست و مسائل دیگر هستند. یعنی کسانی از خاستگاه‌های مختلف و با مطالبات مختلف در پنج ماه گذشته به خیابان‌ها آمدند و خواسته‌های خود را مطرح کردند. شرایطی که در جریان جنبش انقلابی ژینا به وجود آمد، باعث شد این صداهای سرکوب‌شده بیش از همیشه به گوش برسد و در عرصه عمومی جامعه به بحث و تبادل نظر گذاشته شود.

با توجه به این تصویر کلی‌ای که از موقعیت کنونی جنبش و نیروهای دخیل در آن ارائه شد، می‌توان پرسید: ما در کجای تاریخ ایستاده‌ایم و وظایف ما در این باره چیست؟

همانطور که می‌بینیم نظام حاکم بر ایران با بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیقی روبرو است و روز به روز توده‌های وسیع‌تری به عرصه مبارزه کشیده می‌شوند. در چنین شرایطی که جامعه آبستن تحولات مهمی است و جنبش انقلابی فاقد رهبری و برنامه و استراتژی و تاکتیک‌های لازم است و در پراکندگی بسر می‌برد احزاب و سازمان‌های سیاسی مدعی طرفداری از طبقه کارگر ارتباطی ارگانیک و زنده با مبارزات جاری ندارند و ورود خود این جریان‌ها به عرصه مبارزات عملی از چالش‌های مهم محسوب می‌گردد. نه تنها اتحاد طیف گسترده‌ای از احزاب و سازمان‌ها و نهادها و تشکلهای و فعالین کمونیست و طرفداران آزادی و سوسیالیسم در یک جبهه انقلابی ضروری است، بلکه تلاش این نیروها برای اتحاد عملی کارگران، بیکاران، حاشیه‌نشینان، زنان، جوانان، آموزگاران، دهقانان دانشجویان، هنرمندان و استادان... در زیر چتر جبهه‌ای انقلابی با هدف تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور و برقراری سیستم اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی برشورها و وظیفه‌ای فوری و حیاتی است. جبهه‌ای انقلابی که بتواند تمامی جنبش‌های اجتماعی رادیکال را نمایندگی و آنها را متحد کند و توده‌های زحمتکش بتوانند زیر چتر آن مبارزات خودشان را سازمان دهند.

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل‌های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در الویت
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت‌ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.

از طریق ایمیل ادرس زیر

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود

را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

تماس با سازمان اتحاد
فدایان کمونیست

.....

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org